

آثار شیعه‌الامیه

راجع ب عقاید و افکار و ادوار سیاسی و ادبی و تاریخ بلاد و ممالک
و آثار ادبی و هادی و شرح حال مردمان نامی علمی و سیاسی
شیعه از ابتدای تشکیل این فرقه تا عصر حاضر با بهترین
طرز و روش مطابق اصول علمی تألیفات
جدیده گفتگو مینماید

تألیف

عبدالعزیز

جوهر الکلام

جزء چهارم

از بیست جزء

قسمت سوم از تاریخ سیاسی فرقه شیعه راجع بحالات وزراء و امراء نامی
آن در دربار های شیعی و غیر شیعی در ایران و عراق عرب و سوریه
ومصر و هند و غیره از ابتدای تشکیل وزارت و امارت در اسلام تا انقراض
سلسله زندیه در ایران و متضمن مقاله مخصوص راجع بتأثیر
ایرانیان در سیاست و آداب اسلام و تاریخ روحانیت و سیاست
ایران و شرح حال پاره از رجال نامی روحانی که آیام
صفویه در امور سیاسی مداخله کرده اند

ترجمه علی جوهر الکلام

کلیه مخارج طبع و ترجمه از طرف وزارت جلیله معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
بموجب حکم نمبره ۱۳۱۴ مورخ خرداد ۱۳۰۵ و نمبره ۹۰۹
مورخ آذر ۱۳۰۷ تأدیه گردیده است
در مطبعه مجلس بطبع رسید
سنه ۱۳۰۷ شمسی

نام خداوند بخشنده مهربان

مقدمه مترجم

کتاب آثار الشیعه یا دائرة المعارف این طایفه بطوریکه مؤلف در مقدمه آن ذکر نموده است یکی از مهمترین منابع تاریخی ایران بعد از اسلام محسوب میگردد زیرا در تالیف کتاب بقدر توانائی راجع بدصحت اسناد و مدارک - جمع آوری اطلاعات مفیده - تقلید و پیروی از تالیفات جدیده علمی سعوی و اهتمام بعمل آمده است واقعا جای تعجب بود در عصر حاضر که هر جمعیتی رسایل و تالیفات مفصلی مربوط بمسئله و طریقہ - آثار و مفاخر گذشته و حاضر خود نگاشته و منتشر مینمایند ایرانین از طرز تشکیل مذهب شیعه و شاهکارهای نوابغ خود در رهائی و استخلاص از چنگال اجانب بیخبر باشند تا آنکه مؤلف محترم این کتاب که از فضلاء مشهور و مؤلفین و نویسندگان زیر دست میباشد در صدد تالیف دوره کتاب آثار الشیعه برآمده و برای کسب اطلاعات لازمه از عراق بایران مسافرت کرد وزارت جلیله معارف پس از اطلاع بر مراتب فضل و احاطه مؤلف و مطالعه سایر مؤلفات مشار الیه از بذل هر گونه مساعدتهای لازمه در اتمام و انجام این قضیه دریغ نفرموده و بالاخره برای استفاده عمومی بموجب حکم نمره $\frac{۱۲۱۴}{۵۹۳}$ مورخ ۱۵ خرداد ۱۳۰۵ این بنده بترجمه تمام دوره کتاب از عربی بفارسی مأمور گردید . اینک که ترجمه جزء چهارم مشتمل بر قسمت سوم از تاریخ سیاسی طایفه امامیه باتمام رسیده و با آنکه مؤلف محترم در نظر داشت پس از مراجعه بکتابخانه های

مصر و هند و قسمتی از مؤسسات علمی اروپا تألیفات خود را طبع و نشر نماید حسب الامر وزارت جلیله معارف بموجب حکم نمره $\frac{۹۰۹}{۲۰۱۴}$ مورخه ۲ آذرماه ۱۳۰۷ در طبع و نشر این قسمت اقدام شد چون برطبق مفاد قرارداد فوق این بنده بایستی حتی الامکان از عبارت پردازی احتراز نموده و هرچه بیشتر ترجمه خود را با اصل تألیف مطابقت دهد لذا امیداست ارباب فضل و دانش از سستی الفاظ صرف نظر فرموده بحقایق اساسی و مهمه کتاب توجه فرمایند

تهران - آبان ماه ۱۳۰۷ - علی جواهر الکلام

مقدمه مؤلف

مقام شیعه در علم سیاست و معارف

(۱) - این مطلب مسلم است که اگر فرقه شیعه در عظمت سیاسی و اهمیت علمی و ادبی و داشتن مردمان نامی و مقاومت در مقابل حوادث عظیمه تاریخی با سایر فرق مقایسه شود از هیچ فرقه عقب نماند چگونه غیر از این تصور شود در صورتیکه فرقه معدود و محدودی با فقدان و سایل در برابر موانع دینی و سیاسی بسیار مقاومت نموده و مدتها از روی مصلحت در پرده تقیه بسر برده و با کمترین فرصت از موقعها استفاده نموده و در عین حال بنیان عقیده خود را استوار کرده باشند - فرقه که با وجود موانع مزبور حکومت های مخالف خویش را با نیروی هوش و ذکاوت در هم شکسته در مدت قلیلی از خود حکومت های مهم برقرار کرده اند مانند آل بویه - آل جلائیر - قره قوینلو - کارکیا - صفویه - افشاریه - زندیه - و غیره در ایران - حمدانیه در شام - بنی دبیس در حله - بنی شاهین در بطائح - بنی عقیل در موصل - دنبلد در خوی - آل مشعشع در حویزه - قطبشاهیه - عادلشاهیه - نظامشاهیه در هند - بعلاوه پادشاهان و فرمانروایان سرکش را از خاندان عباسی - فاطمی - اخشیدی - سلجوقی - چنگیزی - مغول - تاتار و غیره بسمت خود جلب نموده و در سایه مسلک و عقیده خویش آنها را پرورش داده اند بطوریکه بسیاری از سلاطین و فرمانروایان و رجال نامی سیاسی و روحانی و علمی و ادبی در پرتو این مسلک نشو و ارتقاء نموده صفحات تاریخ را از ذکر آثار و اخبار برجسته خویش مملو نموده باشند چنین فرقه را کوچک نمیتوان شمرد.

تحقیقات پاره از مورخین و عدم موفقیت آنان

در پی بردن باثار این فرقه

(۲) بدیهی است اگر ممالک اسلامی دچار انقلابات عظیمه و حملات خانه بر انداز اقوام مختلفه نمیکردید امروز آثار و مآثر شیعه بیش از آنچه که در دست مانده عالم علم و ادب را مزین مینمود - بنا بر این مطالعه در اوضاع سیاسی و اقوال علمی و ادبی چنین فرقه خالی از اهمیت نیست بلکه تحقیق و کنجکاوی در آن بر هر متتبع

دانشمندی لازم است تا گرفتار اشتباهات تاریخی نشده بخوبی بحقایق پی ببرد متأسفانه پاره از مورخین از روی بی اطلاعی و یا بواسطه تعصبات مذهبی واغراض شخصی حقایق را برخلاف واقع جلوه داده اند - مثلاً شهرستانی در کتاب ملل و نحل شیعه امامیه را با طایفه غالبه و مجسمه مخلوط نموده و هشام بن حکم شاگرد مخصوص جعفر صادق (ع) و محمد بن نعمان معروف بمؤمن طاق را به عقاید سخیفه تشبیه و تجسم متهم کرده است و مقریزی در خطط مصر خویش اساس تشیع را مأخوذ از مقاله ابن سبا یهودی تصور نموده حتی ابن خلدون در مقدمه خود برخلاف حقیقت مینویسد: شیعیان منتظرند که امام غایبشان از سرداب حله (در عراق عرب) خارج شود یا آنکه سبکی در طبقات الشافعیه شیخ ابو جعفر طوسی را از علمای شافعی شمرده و سید رضی برادر سید مرتضی را از زیدیه تصور کرده است سایر مؤلفین و مورخین نامی هم مانند یاقوت رومی در معجم الادباء و صفدی در الوافی بالوقیات و ابن خلکان در وفيات الاعیان نیز مختصری از حالات رجال شیعه را با همان اشتباهات ذکر نموده اند و این روایه ناپسند از ایام پیشین تا زمان حاضر ادامه یافته است.

رویه نگارنده در تالیف این کتاب

(۳) - در این قرن علم و تمدن که هر دسته و حزب کوچک بی اهمیتی دارای تألیفات بسیار برای نشر و اثبات حقیقت مسلك خود میباشند - فرقه قدیم شیعه با آنهمه آثار قابل افتخار در مقابل سایر فرق دنیا کتابی که برای نویسندگان و مورخین ملل سند و مدرک تواند بود نداشته باشند جای تأسف است نظر بمقتضیات فوق نگارنده در هفده سال قبل بفکر اقتاد که با عدم استطاعت و قلت بضاعت بقدر توانائی خویش اقدامی نموده بمحد امکان راجع بتاریخ ادبی و سیاسی مردمان نامی و عقاید و افکار و آثار مادی و معنوی شیعه تألیفی بنگارده که مندرجات آن از هر گونه تعصب مذهبی برکنار بوده با نظر تاریخی بشرح حقایق مسلمة انجام یابد بدیهی است در مهالك متمدنه و در میان ملل منوره اقدام یچنین امر خطیر تا درجه آسان و انجام پذیر است زیرا هیئت های مختلفه برای هر گونه مساعدت حاضر بوده بعلاوه وسایل متفرقه از کتابخانه و مواد علمی

و تاریخی موجود و دسترس عموم میباشد ولی با اوضاع کنونی شرق اقدام بچنین کارها بهزاران اشکال مصادف میگردد معذرت محظورات و موانع محیط ما را از انجام این امر باز نداشت در کتابخانهای عمومی و خصوصی مهم عراق عرب و ایران بمطالعه کتب بسیار اشتغال داشته و مواد مهمی از نسخ نادره خطی و چاپی استفاده نمودیم و در مدت (۱۷) سال با استمداد از ارباب فضل و دانش تالیف مزبور در بیست جزء بترتیب ذیل انجام گرفت

جزء اول

در اصل تشیع و فرق مختلفه شیعه و فرقه امامیه و عقاید و افکار این فرقه و پاره از مطالب مربوطه

جزء دوم

در تاریخ سیاسی شیعه امامیه در مکه و مدینه و سوریه و عراق عرب و ایران و مصر و هند و ذکر شداید وارده بر آنان در عرض این مدت

جزء سوم

شرح حال سلاطین و فرمانروایان شیعه در ایران و عراق عرب و سوریه و هند از اواسط قرن سوم هجری تا عصر حاضر (۱)

جزء چهارم

در حالات وزراء و امراء و نقباء و صدور و شیخ الاسلامهای ممالک مختلفه شیعه از ابتداء تشکیل وزارت و امارت و مراتب سیاسی در اسلام تا اواخر عصر زندیه

جزء پنجم

در تاریخ ایران جدید از انقراض زندیه تا عصر حاضر راجع باوضاع سیاسی و ادبی و اقتصادی آن و انقلابات اخیر از مشروطیت و جمهوریت و انقراض قاجاریه و شرح حالات مردمان سیاسی نامی این دوره

جزء ششم

در تاریخ معارف و آداب شیعه از ابتدای اسلام تا عصر حاضر

(۱) قسمتی از این جزء بر روی باغارج آقا سید حسن مدرس در مطبعه مجلس بطبع رسیده ولی نظریاره محظورات تا کنون تمام نشده است -

جزء هفتم و هشتم

در فهرس کتب خطی و چاپی شیعه مطابق مشهودات خودمان در کتابخانه های ایران و عراق عرب یا اقتباس از فهرس های مفصل کتابخانه های مشهور دنیا بترتیب کشف الظنون چلی

جزء نهم - تا - هفدهم

در شرح حالات رجال علمی و ادبی و تاریخی شیعه با ذکر تالیفات و آثار علمی آنان به ترتیب کتاب تاریخ آداب اللغة العربیة تألیف جرجی زیدان از قرن اول هجری تا اواسط قرن چهاردهم

جزء هیجدهم

در شرح حال زنان نامی دانشمند شیعه و مردمانی که تشیع آنان مشکوک بوده است و کتب مجهولة المؤلف و پاره از مطالب متفرقه

جزء نوزدهم و بیستم

در تاریخ آثار مادی شیعه مانند شهر هائیکه بدست آنان احداث گردیده (تهران - سلطانیه قم و غیره) کتابخانه ها - مدارس - مساجد و غیره

مقدمه جزء چهارم

عواطف انسانی و احساسات نوع پروری نسبت با افراد ضعیف ناتوان و بینوائی که حقوق آنان در مقابل استیلائی زمامداران و سلطه سرکردگان پایمال گردیده و هر روزی بنام سیاست یا دیانت گرفتار تعدی و اجحاف دسته متنفذ زبر دست شده بار سنگین جامعه را بدوش کشیدند همان بینوایانی که قصور عالیه از حجمه آنان نباشد و باخونشان رنگین گردیده ستمدیدگانی که با دسترنج خود وسایل تجمل و تعیش عده را بنام فرمانفرما - وزیر - دستور - مفتی - قاضی فراهم نمودند و بناهای سنگین اهرامات مصر - حدائق بابل - دربار اسطخر را بشانه خود گرفتند آری همان عواطف و احساسات ما را محانت مینمود که بذکر حالات و شرح زندگانی مردمان ستمگریردازیم ولی از طرفی ذکر حقایق معلومه تاریخی را عهده دار شده بودیم

لذا با نهایت احتیاط بشرح آثار باقیه و حالات معینه مردمان تاریخی پرداختیم و مخصوصاً بیشتر بذکر حالات اشخاصی توجه شده است که تا حدی در مقابل بدرفتاریها نیکو کاری هم نموده اند مانند برامکه که در عین تعدی بر زردستان وجودشان بحال بسیاری از فقراء و بیچارگان مفید بوده است همچنین از حالات فضل بن سهل وزیر مامون و ابوالحسن علی بن فرات وزیر المقتدر طغرایی وزیر سلطان مسعود سلجوقی دانشمند نامی خواجه نصیر الدین طوسی وزیر هلاکو و صاحب بن عباد وزیر رکن الدوله دیلمی آل عمید و غیره که هر کدام با لنسبه دارای اخلاق حمیده و صفات پسندیده بوده اند در این مجلد کم و بیش نگاشته ایم و آنرا بترتیب ذیل مرتب ساختیم

باب اول در حالات وزراء مشتمل بر سه فصل

فصل اول - در حالات وزرائی که در دربارهای مخالف سیاست و مذهب خود وزارت نموده اند که عبارتند از وزیرای عباسیان در عراق - اخشیدیه و فاطمیه در مصر - سلجوقیه و مغول در ایران - و مقدمه مخصوصی راجع بتأثیر آداب و سیاست ایرانیان در اسلام

فصل دوم - در حالات وزرائی که در دربارهای موافق مذهب و سیاست خود وزارت نموده اند مانند وزیرای آل بویه - صفویه - زندیه - عادلشاهیه و قطبشاهیه

فصل سوم - در حالات رجال روحانی شیعه که تقریباً جزء وزراء بوده و در امور سیاسی شرکت نموده اند (نقباء - صدور - شیخ الاسلامها) و مقاله در تاریخ روحانیت و سیاست در ایران

باب دوم در حالات امراء مشتمل بر سه فصل

فصل اول - در حالات امراء شیعه از صحابه و تابعین در ایام خلافت علی (ع)
فصل دوم - در حالات امراء دوره سلاطین مخالف مذهب شیعه مانند امراء

بنی عباس - امرای مصر و شام - امرای عثمانی در بعلبک - امرای مغول - امرای
سلاطین غیر شیعی هند

فصل - سوم - در حالات امراء دوره سلاطین موافق مذهب شیعه مانند امراء
بنی حمدان - امرای کابویه - امرای ایلخانی - امرای سربداریه - امرای صفویه
از قبیل آل المشعشع - دنباله - فیلیه -

(استدعا و تمنی از دانشمندان و معارف خواهان)

۲ - با کمال امتنان هر گونه اشتباهات و
انتقادات علمی را (با ذکر سند و مأخذ آن)
در قسمت این مجلد پذیرفته و در موقع طبع
مجلد دیگر اشتباه یا انتقاد مزبور را بنام فرستنده
آن منتشر خواهیم نمود بدیهی است انتقادات
مذهبی یا ایرادات بدون مدرک و سند مورد
توجه واقع نشده بلا جواب خواهد ماند

۱ - از عموم علاقه مندان بمسائل تاریخی و
ادبی استدعا میشود پس از استحضار بر فهرست
مجموعات کتاب آثار الشیعه هر گونه مواد علمی
و ادبی را که مربوط بکتاب مزبور بدانند
لطفاً ارسال نموده و یا آنکه لا اقل محل و
مأخذ آنرا بنگارنده اطلاع دهند گذشته از تشکرات
صمیمانه بنگارنده کتاب در موقع طبع و نشر
عین موضوع را بنام آن شخص ذکر خواهد نمود



باب اول

در حالات وزراء

فصل اول

وزرای شیعه که در دربار های مخالف مذهب و سیاست خود و زارت کرده اند
۱ - وزراء دولت عباسیان در عراق

تمهید

دولت بنی عباس پس از انقراض خلافت بنی امیه تاسیس یافت اولین خلیفه این سلسله ابو عبدالله بن محمد بن علی بن عبدالله بن عباس بن عبدالملک است که در سنه ۱۳۲ بخلافت نایل گردید و آخرین خلیفه عباسی ابوالاحمد عبدالله المستعصم در سال ۶۵۶ بدست هلاکو کشته شد چون ارکان مهمه سیاست و علمی این سلسله از نژاد ایرانی بوده اند لذا بطور مقدمه مختصری از تاریخ نهضت علمی و ادبی ایرانیان و تاثیر آن در آداب و سیاست عرب بیان مینمائیم

(نفوذ ایرانیان در سیاست و ادبیات عرب بعد از اسلام)

۱- ایرانیان یکی از ملل قدیمه عالم بشمار میروند در ادوار سابقه بشوکت و عظمت میان تمام اقوام عالم شهرت داشتند فرمانروایان ایران ممالک اشور و بابل را مسخر کرده با هندوستان مجاور شدند و از تمدن یونانیان بهره مند گشتند

ملت ایران بهوش و استعداد طبیعی موصوف و معروف بوده در تتبع و تحقیق علوم و فنون دارای قریحه و قابلیت خاصی از علوم (۱) طبیعی و ریاضی مطلع و با خبر بوده اند در فنون موسیقی و نقاشی و حجاری مهارت داشته اند آثار برجسته و نقوش بدیعه ایران باستان در تخت جمشید و سایر نقاط برهان بر اثبات این مدعاست ایرانیان قدیم مانند برادران شرقی خود هندیان در شعر (۲) و ادبیات باذوق بوده اند (اگر

چه آثار ادبی ایران قدیم بندرت یافت میشود) گویند (۱) بهرام بن یزدجرد بن شاپور بین اعراب تربیت شده زبان عربی آموخته بود و شعر عربی انشاد مینمود نهضت علمی ایرانیان قدیم از زمان شاپور (۲) بن اردشیر شروع میشود این پادشاه کتب فلسفی یونانی را به پایتخت خود وارد نموده بفارسی ترجمه کرد کسری مشهور بنوشیروان عادل (۵۳۱-۵۷۸ م) از پادشاهان دانش پرور ایران بوده است و بمطالعه کتب فلسفی رغبت تمامی داشت در ایام پادشاهی انوشیروان فلسفه روم بمحکال رسیده بود پوستان امپراطور مسیحی روم در اثر اختلافات مذهبی فلاسفه و متفکرین غیر مسیحی را از روم تبعید کرد آنان باطراف عالم پراکنده شدند از آنجمله هفت نفر فیلسوف مشهور رومی بمخدمت نوشیروان آمدند پادشاه دانشمند مقدمشان را گرامی داشته از ایشان خواهش نمود که بتألیف و تصنیف اشتغال یابند فلاسفه مزبور چندین کتاب در علم طب و منطق تألیف نمودند که بفارسی ترجمه شد (۳) انوشیروان با کمال دقت کتابهای آنها را مطالعه نموده شخصاً برای مناظره و مباحثه با علماء حاضر میشد و مجالس مخصوصی برای بحث در مسائل علمی تشکیل میداد (چنانکه مأمون عباسی نیز تقریباً دو قرن و نیم بعد از انوشیروان همین گونه مجالس علمی را ترتیب میداد) انوشیروان بقسمی در علوم فلسفه و غیره مهارت و تتبع یافت که یونانیان مصاحب وی او را از شاگردان افلاطون تصور مینمودند انوشیروان (۴) از کتب سانسکریت نیز مقدار وافی بزبان فارسی نقل و ترجمه کرد در شهر (جندیشاپور) مریضخانه برای معالجه مرضی و تدریس علم طب تأسیس کرد و اطبای بسیاری از هند و یونان برای آن مریضخانه استخدام نمود که در آنجا بتدریس طب هندی و یونانی اشتغال داشتند مریضخانه انوشیروان در زمان خویش مانند مدرسه اسکندریه مصر بوده است

ب- پس از ظهور اسلام و انقراض حکومت سیاسی ایرانیان نهضت علمی و ادبی این ملت متوقف گردیده رو با انحطاط گذارد مخصوصاً در ایام خلفای اموی که با مسلمانان غیر عرب بطور حقارت و پستی معامله مینمودند و آنانرا از مداخله در امور سیاسی و علمی باز میداشتند تا آنکه از حسن اتفاق برای ایرانیان حکومت بنی امیه در سنه ۱۳۲ هـ منقرض و در تعقیب آن دولت بنی عباس بدستیاری

(۱) مسعودی ۱۲۱ ج ۱ (۲) ابوالفدا ۵۰ ج ۱ (۳) فهرست ابن الندیم خطی است اگر چه در اروپا طبع شده ولی نسخه آن کمیاب است (۴) ترجمه ادبیات ایران ادوارد برون ج ۱ خطی

ابومسلم خراسانی (۱) تشکیل یافت (ابومسلم در سنه ۱۳۷ هجری بقتل رسید) عباسیان برعکس بنی امیه ایرانیانرا معزز و محترم میداشتند و به تصدی امور مهمه میگماشتند (۲) و عده بسیاری از آنها را جزء ملازمین خاص دربار خود قرار دادند که مشهورترین آنها برامکه و آل سهل میباشند برامکه برطبق طینت اصلیه ایرانی علم دوست و عالم پرور بوده اند علماء و فضلاء در نزد آنان مکرم و محترم میزیستند چیزی نگذشت که خاندان برامکه و پس از آن خاندان بنی سهل که هر دو اصلا ایرانی بوده اند مرکز فضل و مقرر فضلاء گردید و مجالس آنها مانند دربار هرون و مامون از علماء و دانشمندان زیب و زینت یافت برامکه و سایر امرای ایرانی علماء و دانشمندان را بترجمه علوم قدیمه از السنه مختلفه بزبان عربی وادار نمودند از آنجمله خاندان نوبخت (۳) است که در این امر سعی واهتمام وافیه نموده اند بیست کتاب (۴) در علم نجوم و سیر و تاریخ و حکمت و آداب و موسیقی از فارسی به عربی فقط در عصر برامکه ترجمه شد و اعتماد اعراب در این علوم کاملاً بر کتب و آثار ایرانیان بوده است (۵)

(۱) الفخری ص ۱۰۴ و ۱۲۴ (۲) اداب اللغة العربیه ۲۰ ج ۲ (۳) اداب اللغة ۳۲ ج ۲ شرح حالات خاندان نوبخت در رجال قرن سوم و چهارم از این کتاب ذکر شده است (۴) اداب اللغة ۳۴ ج ۲ (۵) عصر المامون ۳۸۷ ج ۱

کتب بسیاری (از قبیل سیر و اخبار و اشعار و مختصری در نجوم که از منقولات آل نوبخت و علی بن زیاد تمیمی و غیرهما میباشد) در ایام بنی عباس از فارسی به عربی ترجمه شد اینک یاره از اسامی آن کتب را با ذکر نام مترجم ذیلاً درج مینمائیم نقل از فهرس بن الندیم و تمدن اسلامی ۱۵۴ ج ۳

(۱) کتاب رستم و اسفندیار جیله بن سالم

(۲) بهرام شوس

(۳) خدانیامه در سیر عبدالله بن المقفم

(۴) کلیله و دمنه

(۵) آئین نامه

(۶) مزدک

(۷) التاج در سیره انوشیروان

(۸) الادب الکبیر

(۹) الادب الصغیر

(۱۰) الیتیه

نافل آن معلوم نیست

(۱۱) هزار افسانه

اهمیت (۱) و عظمت برامکه روز بروز در تزايد بود و قدر و اهمیت آنها نزد عموم طبقات میافزود بقسمیکه هرون از سطوت آنها بیمناک شده و در انقراض آن خاندان کوشید ولی انقراض برامکه مانع پیشرفت نفوذ ایرانیان نشد مخصوصاً در زمان بنی سهل جانشینان برامکه نفوذ ایرانیان در علوم و ادبیات فارسی رو به ازدیاد نهاد و از همان موقع علوم و آداب اسلامی در دست (۲) ایرانیان اداره میشد اوضاع مقهوریت سیاسی ایرانیان در تحت حکومت عربها با وجود سبقت علمی و ادبی مانند اوضاع یونانیان بوده است که با داشتن مزیت علمی و ادبی در تحت استیلای سیاسی رومیها در آمدند (به کتاب تاثیر آداب ایران در لغت عرب تالیف مستشرق روس انیوسترانسف منطبعة پترو گراد ۱۹۰۹ مراجعه شود) -ج- یکی از آثار مهمه ایرانیان در سیاست اسلام تشکیل مناصب سلطنتی و تاسیس اساس دیوان باج و خراج و ترتیب وزارت بوده است که قبل از ایرانیان اعراب از ان ترتیبات بکلی بیخبر بوده اند

۱- تشکیل دیوان مالیات - (۳) در سنه ۱۵ هجری پاره از امراء و عمال دربار سلاطین ایران نزد عمر بن الخطاب حاضر بوده حیرت و سرگردانی ویرا در تنظیم امور مالیاتی مشاهده نمودند لذا ترتیب دیوان باج و خراج پادشاهان ساسانی را شرح داده و عمر بر طبق دستور آنان تشکیل دیوان داد و تا زمان حجاج بن یوسف والی کوفه کلیه عمال و منشیان و مدیران دیوان مالیاتی فارسی زبان بوده و دفاترشان بفارسی تهیه میشد تا آنکه در زمان خلافت عبد الملك بن مروان

(۱) الفخری ۱۵۵ (۲) مقدمه ابن خلدون ۴۷۷ و تمدن اسلامی ۴۹ ج ۳ (۳) الفخری ۶۰ و مقدمه ابن خلدون ۲۰۳ ضبع بولاق

(۱۲) شهریزاد با ابرو

(۱۳) کتاب الکار نامج انوشیروان کارنامه

(۱۴) دارا و العنم الذهب

(۱۵) بهراء و نرسی

(۱۶) هزار داستان

(۱۷) الدب و التعلب

(۱۸) سیر ملوک الفرس که ترجمه آن متعدد است (۱) ترجمه محمد بن جهم برمکی (۲) ترجمه زادویه بن شاهویه اصفهانی (۳) ترجمه محمد بن بهرام بن مصیار اصفهانی

صالح بن عبد الرحمن سجستانی که از منشیان زاد انفروخ بن ببری رئیس دیوان بوده بر حسب میل حجاج دیوان را از فارسی عبری نقل کرد گویند ایرانی ها تا صد هزار دینار بصالح مذکور رشوه داده بودند که از ترجمه دیوان عبری صرف نظر نماید ولی صالح رشوه آنها را رد نموده مطلب خود را انجام داد

۲- بطوریکه ذکر شد وزارت (۱) از مناصب ایرانی و بزرگترین درجات درباری است و از زمان بنی عباس بین مسلمانان معمول گشته اولین وزیر خاندان بنی عباس ابوسلمه الخلال حفص بن سلمان معروف بوزیر آل محمد بوده است که از اعظام شیعه و دوستانان خاندان علی (ع) میباشد تا آنموقع خلفای اسلامی وزیر نداشته اند و کسی بدان نام در دربار اسلام معروف نبود ابوسلمه (۲) اول کسی است که بین مسلمانان بوزیر معرفی گردید و در قرن چهارم هجری کلمه صاحب (۳) نیز بوزیر اضافه شد اسماعیل بن ابی الحسن عباد بن عباس وزیر مؤید الدوله دیلمی اول وزیری است که بصاحب معروف گردید در هر حال بسیاری از وزراء نامی و دانشمند از میان فرقه شیعه امامیه مخصوصا ایرانیان ظهور نموده که در دربار های مختلف اسلامی وزارت نمودند

وزیر آل محمد

ابوسلمه Abou-salmah

ابوسلمه (۴) حفص بن سلمان مولی بنی حارث بن کعب همدانی معروف بوزیر آل محمد بوده همانقسم که ابو مسلم خراسانی را امیر آل محمد میگفتند برای اشتهار ابوسلمه به خلال چندین وجه ذکر شده که یکی از آنها اقامت وی در محله خلالین از محلات کوفه بوده است و همدان نام قبیله از قبایل عرب میباشد که در نواحی یمن سکونت داشته اند

حالات ابوسلمه - دعوت وی بنام عباسیان

ابوسلمه از رجال معتبر متمول سخی الطبع کوفه بوده در علوم تفسیر و اخبار و مناظره و اشعار تتبع بسیار نموده اطلاعی کامل داشت در سواری و اسلحه بازی

(۱) تمدن اسلامی ۱۳۵ ج ۱ (۲) بن خلکان ۱۷۹ ج ۱ (۳) تمدن اسلامی ۱۴۶ ج ۱

(۴) الفخری ۱۱۱ و ۱۱۲ و بن خلکان ۱۷۹ ج ۱ و بن خلدون ۱۷۶ ج ۳

عشق و میل مفرط اظهار مینمود و شخصا مرد فصیح زبان آوری بوده است ابوسلمه ابتداء بنام عباسیان دعوت میکرد و قسمت مهمی از ثروت خود را صرف انکار نمود علت ارتباط ابوسلمه با عباسیان بطوریکه این طقطقی و سایرین نگاشته اند این بوده که پدر عیال ابوسلمه بکر بن ماهان از منشیان و خواص ملازمین ابراهیم امام برادر سفاح بوده است و در دوستی با عباسیان خود داری نداشت اتفاقاً بکر بن ماهان مریض شده اجل خود را نزدیک دید از این جهت با ابراهیم امام وصیت نمود که ابوسلمه خلال داماد خود را برای دعوت بنام عباسیان نایب خود قرار دادم پس از مرگ من از وجود وی استفاده نمائید ابراهیم بعد از وفات بکر با ابوسلمه در این خصوص مکاتبه نموده ویرا بدعوت برای عباسیان مستعد و آماده نمود ابوسلمه نیز امر ابراهیم را اطاعت نموده مشغول انجام کار شد موقعیکه (۱) مروان حمار آخرین خلیفه اموی ابراهیم امام را دستگیر کرده در حران حبس نمود برادران ابراهیم سفاح و منصور با تکی چند از خویشان و اقرباء بکوفه آمده در منزل ابی سلمه وارد شدند مشار الیه مقدمشان را گرامی داشته و آنان را مخفی داشت تا اینکه عدّه زیادی از شیعیان گرد آمده قوای منظمی تهیه نمودند و در همانموقع ابومسلم هم خراسان را تصرف نموده بکوفه آمد و با سفاح بیعت کرده و خلافت عباسیان علنی شد ۱۳۲ هـ

بازگشت (۲) ابوسلمه از دعوت بنام عباسیان برای علویان

قبل از اینکه خلافت سفاح رسمی و علنی گردد ابوسلمه از دعوت بنام عباسیان منصرف شده و بدعوت برای علویان کوشش کرد و عریضه حضور حضرت صادق (ع) ارسال داشت حضرت بفرستاده وی فرمود من با ابی سلمه کاری ندارم و ارتباطی بین ما نمیشد فرستاده اصرار در اخذ جواب نمود حضرت خادم خود را فرمود چراغ را نزدیک آورد و نامه ابوسلمه را سوزانید و بفرستاده فرمود آنچه را که دیدی جواب نامه است با ابوسلمه ابلاغ نما ابوسلمه سپس نامه بعبدالله بن حسن بن حسن بن علی بن ابی طالب و عمر بن زین العابدین نگاشت عمر نامه را رد نموده جواب داد نویسنده را نمی شناسم ولی عبدالله مراسله را قرائت کرده خدمت حضرت

صادق آورد آن حضرت عبدالله را ملامت کرد که باغواهی ابوسلمه فریب نخورد زیرا قریبا قضیه بنفع بنی عباس خاتمه خواهد یافت عبدالله از استماع این بیانات مکدر گردیده و از خدمت حضرت منصرف شد اما چیزی نگذشت که دولت اموی منقرض و حکومت عباسی بدست سفاح تشکیل یافت سفاح از اقدامات ابوسلمه راجع بدعوت برای علویان مستحضر شده از وی هراسید لذا ابتداءً او را بوزارت انتخاب کرد و بعد بقتل رسانید چنانکه تفصیل آن ذکر خواهد شد

وزارت (۱) ابوسلمه برای سفاح و سیاست سفاح در قتل ابوسلمه

همینکه سفاح برمسند خلافت ارتقاء یافت ابوسلمه را بوزارت انتخاب نموده زمام امور لشگری و کشوری را بوی تفویض نمود و ازان موقع ابوسلمه بلقب وزیر آل محمد ملقب گردید مشارالیه اولوزیر دوره اسلامی بوده است بهر حال بطوریکه قبلا ذکر شد سفاح از اقدامات سابقه ابوسلمه راجع بدعوت علویان رنجیده خاطر بود ولی این مطلب را از بیم ابومسلم خراسانی مکتوم میداشت زیرا ابومسلم خراسانی با ابوسلمه در دعوت بنام عباسیان شرکت و رفاقت داشتند سفاح شرحی بابومسلم نگاشت که نظر بیارۀ اقدامات از ابوسلمه رنجیده خاطر م ولی جرم ویرا برای ابومسلم خواهم بخشید سپس نامه را بوسیله برادر خود منصور نزد ابامسلم فرستاد و باطنا وی را بقتل ابوسلمه تحریض کرد ابومسلم مقصد سفاح را دریافته عدۀ از خراسانیان را اعزام داشت و ابوسلمه را بقتل رسانیدند مدت (۲) وزارت ابوسلمه برای سفاح چهار ماه بوده و در ۱۳ ربیع الاخر ۱۳۲ هجری بقتل رسید

وزارت برامکه

قبل از شرح حالات خصوصی برامکه و تاثیرات سیاسی و ادبی آنان در اسلام لازم است بطور مقدمه مسائل ذیل را ذکر نمائیم
مقام برامکه قبل از اسلام

برامکه (۳) اصلا اهل بلخ و از اعظم زردشتیان بشمار میرفتند تصدی و اداره

(۱) و (۲) بن خلکان ۱۷۹ج ۱ و الفخری ۱۱۱ (۳) الفخری ۱۴۵ و عصر المأمون ۱۲۶ج ۱ و معجم البلدان ۳۲۱ج ۸

یکی از آشکده های مهم بلخ موسوم به نوبهار (معبد جدید) با این خاندان بوده است و نظر باینکه متصدیان آن معبد را عموماً برمک مینامیدند لذا این خانواده به برامکه موسوم گردید بنا براین برمک بطوریکه پاره از مورخین توهم نموده اند اسم شخصی نبوده و نام خانوادگی است (همینکه فضل برمکی بامارت خراسان منصوب گردید وارد بلخ شده معبد نوبهار را خراب و بجای آن مسجدی بنا کرد) آشکده نوبهار دارای املاک و اراضی موقوفه بسیاری بوده که در دست برامکه اداره میشد یاقوت مینویسد قریه (روان) ازقراء آباد شرقی بلخ در تصرف یحیی بن خالد بوده است خالد پدریحیی آخرین کسی است که ازاین خاندان به برمک موسوم بوده و اول کسی است (۱) که بدین اسلام مشرف گردید (صاحب معجم البلدان مینویسد جد اعلائی خالد در زمان خلافت عثمان اسلام اختیار نموده ولی اولاد وی مجدد بدین زرتشت باز گشت نمودند)

سیاست برامکه در تشیع

خالد سرسلسله برامکه موقعی دیانت اسلام را قبول نمود که ابومسلم (۲) خراسانی بنام علوین و برای آن خاندان مشغول دعوت و بیعت بود خالد نیز فکر وی را پسندیده جزء ملازمین وی گردید و با امید درک مناصب عالیہ بتأسیس دولت علوی سعی و اهتمام میکرد اما همینکه دولت عباسی تشکیل شده وزعماء دولت علوی مانند ابومسلم و ابو سامه گرفتار عقوبت سفاح شدند خالد نیز مصلحت چنان دید که ظاهراً از علویان صرف نظر نموده با اتفاق فرزند خویش یحیی و سایر اقارب بخدمت گذاری منصور و سفاح قیام نماید و همینقسم اقدام نمود اما باطنا از شیعیان علویین بوده در کمان آن کوشش داشتند مخصوصاً در زمان خلافت هرون برامکه از آل علی و تشیع بکلی اظهار تنفر مینمودند چه که هارون (۳) فوق العاده نسبت به علویان و فرقه شیعه بدین بوده است و قبل از ارتقاء بمقام خلافت علویین را بقتل رسانیده اذیت و آزار بسیار مینمود همینکه بمسند خلافت متمکن شد بیش از پیش در ایذاء و آزار آنان

(۱) معجم البلدان ۳۲۱ ج ۸ حالات برمک پدر بزرگ برامکه و وصف نوبهار و خراب شدن آن بدست عطاء بن السائب و قیس بن الهبشم ذکر شده است (۲) تمدن اسلامی ۱۲۷ ج ۴ (۳) العقدالفرید ۱۴۲ ج ۱

سعی کرد بقسمیکه تمام طالبین را از بغداد بمدینه (۱) تبعید کرد (بجداول تاریخ سیاسی شیعه مراجعه شود) برامکه از تعصب و کینه جوئی هارون متنفر بوده (۲) و رفتار ویرا ناپسند میدانستند اما عقاید خود را حتی الامکان مخفی داشته سراً با شیعیان مساعدت های لازمه مینمودند و زعمای قوم شیعه بطور مخفی نزد جعفر رئیس برامکه جمع شده مجالس و محافلی ترتیب میدادند بالاخره همینکه جعفر بفرمانفرمائی ایالات غرب معین گردید شخصی (۳) از حزب شیعه را بحکومت مصر گماشت (برای اطلاع کامل از جنایات هارون نسبت باین طایفه به جداول تاریخ سیاسی شیعه مراجعه شود)

مقام سیاسی و ادبی برامکه نزد دولت و ملت

مقام سیاسی و ادبی برامکه به دودوره مهم تقسیم میگردد که فترتی مابین آن واقع گردید

(۱) .. زمان سفاح و منصور

در آن ایام عظمت و اهمیت برامکه بواسطه اسلام خالد سر سلسله آنان و خدمتگذاری بنی عباس بمحدکمال رسید و نزد عموم طبقات لشکری و کشوری قدر و منزلت مهم یافتند بقسمیکه خالد (۴) وزارت دو نفر از خلفای سرکش مانند سفاح و منصور را عهده دار شد و بمحدی نزد سفاح تقرب یافت که روزی بوی اظهار نموده بود: خالد بالاخره مرا بمخدمتگذاری خود گماشتی خالد عرض کرد چگونه چنین امری میسر میگردد در صورتیکه من بنده و خدمتگذار خلیفه هستم سفاح خندیده جواب داد آری دختر تو با دختر من معمولاً در يك بستر میخوابند پاره از شبها می بینم که روپوش از روی آنان عقب رفته خودم شخصا روی آنها را میپوشانم خالد بعد از شنیدن این مطلب دست سفاح را بوسیده عرض کرد مولای من برای کسب اجر و ثواب با کنیز و غلام خود تفقد می نماید.....

برامکه بحدود و حلم و عقل اشتهار داشته و مخصوصاً بقدری در بذل و بخشش و نوازش فقراء مبالغه و اصرار مینمودند که محتاجان وسائلین را (۵) زوار

(۱) بن الاثیر ۴۷ ج ۶ (۲) الاغانی ۷۶ ج ۲۰ (۳) السیوطی ۱۰ ج ۲ (۴ و ۵) الفخری

نامیده بودند لذا قدر و منزلت برامکه نزد عموم طبقات از کشوری و لشکری روز افزون بوده است بالجمله خالد واحفاد وی مالک قلوب فرماز وایان بنی عباس و عموم طبقات گردیدند و این حسن توجه خاص و عام نسبت به برامکه در ایام هرون رو باز دیاد نهاد چنانکه هارون قبل از ارتقاء بمقام خلافت یحیی بن خالد را کاتب و نایب و وزیر خویش قرار داد باری همینکه منصور عباسی در سنه ۱۳۶ بمقام خلافت رسید خالد را بوزارت خود انتخاب کرد اما نظر باستبداد رأی و مداخله شخصی این خلیفه در امور جزئی و کلی خالد (۱) و سایر وزراء از مقام سیاسی و تنفیذ اوامر خود استفاده نمیکردند چنانکه در باب انهدام (۲) ایوان کسری (مداین) با خالد مشورت نمود وی منصور را از اقدام باین عمل منع کرد منصور ممانعت خالد را مبتنی بر تعصب ایرانیت دانسته ایوان مداین را منهدم کرد و خالد با نهایت بی میلی از وقوع این قضیه بر هیچگونه اقدام قادر نبود روی هم رفته بر طبق مدارک تاریخی وزارت خالد در ایام منصور و سفاح فقط بعنوان استشاره و وساطت بین خلیفه و رعایا بوده است برعکس وزارت یحیی و سیرانش جعفر و فضل با نهایت اختیار و قدرت تام انجام گرفت - دوره قوت -

از زمان منصور نفوذ سیاسی و ادبی برامکه رو بانحطاط و پستی نهاد و این مطلب تا ایام هارون ادامه یافت (از ۱۳۶-۱۷۰) منصور پادشاه مستبد خودرانی بود و به آراء وزراء خویش وقعی نینهاد از همین رو ابوایوب موریانی را در وزارت با خالد بر مکی شرکت داد (موریان از قراء تابعه اهواز است) سپس ویرا هلاک نموده ربیع بن یونس را بجای او انتخاب کرد بعد از مرگ منصور پسرش محمدالمهدی (۱۵۸) ابو عبدالله معاویه بن یسار را بوزارت بر گماشت معاویه بن یسار شخصاً نویسنده زیر دستی بوده و در ایام وی قدر و منزلت وزراء رو بارتقاء نهاد این وزیر پس از قتل پسرش به تهمت زنادقه از وزارت کناره گیری نموده مقام خود را بابی عبدالله یعقوب بن داود تفویض کرد پس از چندی خلیفه بر وی متغیر شده در چاه تاریکی محبوسش ساخت و فیض ابن ابی صالح را بوزارت خود انتخاب کرد

بالاخره محمد مهدی در سنه ۱۶۹ درگذشت و پسرش موسی الهادی خلیفه شد این خلیفه ربیع بن یوسف وزیر پدر را بوزارت خود گماشت و چندی ابراهیم بن ذکوان حرّانی وزارت وی را عهده دار بود تا آنکه موسی الهادی در سال ۱۷۰ وفات نموده هارون بخلافت رسید و در ایام خلافت وی عظمت و اهمیت برامکه تجدید شد

۲ - زمان خلافت هارون

(۲) زمان خلافت هارون برامکه با نفوذ سیاسی و ادبی بزمانمداری مهم امور اشتغال یافتند بقسمیکه تا مدتی بعد آثار استیلاء و نفوذ برامکه در میان بنی عباس برقرار ماند این طقطقی ایام استیلائی برامکه را با عبارتهای ذیل که مطابق واقع بوده شرح میدهد:

« خلافت بنی عباس مانند تاج بر تارک روزگار میدرخشید و چون آفتاب بر سپهر دوار تابش داشت آستانش محط رجال و کعبه آمال بوده است یحیی و فرزندان وی چون ستارگان درخشان در آن آسمان میتابیدند و مانند باران بهاران بر خاص و عام میباریدند مملکت بوجودشان آباد و مردم از حسن رفتارشان دلشاد بودند بازار علم و ادب در ایام آنان رونق و اعتباری داشت خلاصه برامکه در ایام خویش پایه آبادی و مایه دلشادی ملک و ملت بوده اند چنانکه ابونواس نیز گفته است

سَلَامٌ عَلَى الدُّنْيَا إِذَا مَا قَدَّتُمْ
بَنِي بَرْمَكٍ مِنْ رَائِحِينَ وَغَادِ

در ایام وزارت جعفر بن یحیی اهمیت و عظمت برامکه بحدی رسید که شخص جعفر را سلطان (۱) میخواندند هرون آنی از جعفر جدا نبود بقسمیکه فرمان داد يك پیراهن (۲) بادویقه برای خود و یحیی ترتیب دهند که در مجالس بزم بان پیراهن ملبس میگرددیدند بالاخره برای تکمیل وسایل مصاحبت خواهر خود عباسه را برای جعفر عقد نمود (۳) مشروط بر آنکه باوی مزاجت نماید و فقط در مجالس انس باهم گرد آیند این خلدون (۴) مینویسد در منزل شخصی هرون ۲۵ نفر از اولاد یحیی بن خالد جزء رؤسای لشگری و کشوری میزیستند

باری کتب سیر و تواریخ بقدر مکفی از فضایل و مکارم برامکه مرقوم داشته اند که محتاج بتکرار و تذکار در اینموقع نخواهد بود و همین قدر باید دانست که از حسن

(۱) تمدن اسلامی ۱۳۹ ج ۱ (۲) تمدن اسلامی ۱۵۰ ج ۴ (۳) ۱۵۰ الفخری (۴) مقدمه ۱۳

رفتار و کردار برامکه در اوقات عباسی بمنتهی درجه عظمت و جلال رسید بقسمیکه بعد از برامکه و قبل از ان هیچیک از دربارهای اسلامی دارای چنان عظمت و رفعت نبوده است وزارت برامکه در دوره اخیر وزارت مستقل تامالاختیار بوده که بر فکر و اراده و عزم خلیفه استیلاء داشتند

دارائی برامکه که بعد از بدبختی آنان مصادره شد

سهل بن هارون (۱) از خواص برامکه و کتابدار مامون راجع بدارائی و ثروت برامکه چنین میگوید : همینکه هارون الرشید مصادره اموال برامکه را فرمان داد از ۲۰ ملیون تقدینه موجودی درازده ملیون آن در کیسه های مخصوصی بنام اشخاص معین سر به مهر بوده که بعنوان هدیه جایزه صلح و غیره از طرف یحیی بنشخص متفرقه اتفاق میگردید و همین قسم نام جیره خواران و مواجب گیرندگان در دفاتر مخصوص ثبت شده بود که در واقع دیوان و دفاتر یحیی مخصوص جمع اموال و اتفاق آن بوده است

علاوه بر مبلغ مزبور سی ملیون و هفتصد و هفتاد و شش هزار دینار وجه نقد از ثروت و تمول برامکه مصادره گردید و مبالغ مزبوره فقط وجوه تقدینه بوده است و اضافه بران اموال و املاک منقول و غیر منقول از قری و قصبات و غیره مقدار بسیاری نیز مصادره و ضبط دولت گردید که تعیین میزان آن بطور کامل غیر مقدور میباشد و از همین رو میتوان میزان قدرت و عظمت برامکه را تصور نمود

خلاصه از حالات برامکه و شخصیات آنان

(۱) خالد بن (۲) برمک بن جاماس بن یشتاسف اولین وزیر ایرانی از خاندان برامکه

Khalid

بنا بعقیده صوفی پس از قتل ابو سلمه خالد بن برمک بجای وی انتخاب گردید و با لقب وزیر ملقب شد سفاح پس از اطلاع بر هوش و ذکاوت خالد قدر و منزلت و برا مضاعف نمود و از هر طرف بدرگاه خالد روی آور شدند شعراء بمدیحه وی اشعار و قصاید سرودند خالد بانهایت میل و رغبت در انجام حوائج واردین و

(۱) ۱۴۸ عصر المامون ج ۱ - (۲) الفخری ۱۲۷ و ابن خلکان ۱۱۳ ج ۱

حاجتمندان سعی و اهتمام میکرد و چون بسیاری از محتاجان و تقاضا کنندگان را از اشراف و اکابر قوم مشاهده نمود لذا نام سائلین را بزوار تبدیل کرد و در این باب یکی از اشراف بنحالد گفته است که شکر کدام يك از نعمت های تو را بجا آوریم رفع حوائج یا تبدیل نام و تغییر عنوان سائلین؛ باری همینکه منصور در صدد بنای بغداد بر آمد راجع بانهدام ایوان کسری باخالد مشورت کرد که مواد و مصالح آن ساختمان را بمصرف بنای بغداد رساند خالد اظهار داشت که ایوان کسری آیتی از آیات اسلام و نماز گاه علی بن ابی طالب است در هدم آن مبادرت مفرما بعلاوه مصارف هدم آن بیش از منافع محصوله خواهد بود منصور رأی خالد را مبتنی بر تعصب ملی ایرانی دانسته به انهدام ایوان کسری امر داد ولی چون مصارف ویرانی آن گزاف بود از هدم بناء صرف نظر نمود بنحالد گفت اینک حسن رأی تو را پسندیده و از انهدام ایران صرف نظر میمائیم خالد جواب داد بهتر آنستکه خلیفه انهدام ایوان را با تمام رساند تا نگویند از خرابی ساختمان سایرین عاجز ماند ولی این مرتبه نیز رأی خالد مقبول نیفتاد. مدت وزارت خالد برای منصور یکسال و چند ماه بوده و در سنه ۱۶۳ یا ۱۶۵ وفات نمود اگر چه منصور در توقیر و اعزاز خالد خود داری نداشت اما خشونت رأی و استبداد منصور مانع از ظهور نفوذ خالد بوده است و نه فقط خالد بلکه کلیه وزراء و درباریان منصور از بیم سطوت وی جرئت مداخله در امور نداشتند.

(۲) یحیی بن خالد بن برمک وزیر هارون

Yahya

بطوریکه قبلا (۱) اشاره شد یحیی بن خالد در زمان ولایت عهد هرون متصدی جمیع امور داخلی وی بوده و سمت وزارت وی را داشت و پس از ارتقاء هرون بمقام خلافت یحیی وزیر مستقل تام الاختیار گردیده خاتم خلافت بوی تفویض شد و در جمیع امور مملکتی فرمانروا گردید ابراهیم موصلی در این موضوع چنین میگوید:

أَلَمْ تَرَ أَنَّ الشَّمْسَ كَانَتْ سَقِيمَةً فَلَمَّا وَلِيَ هُرُونُ أَشْرَقَ نُورُهَا

بِیْمَنِ آمِنِ اللَّهِ هَرُونَ ذِي النَّدَى قَهَارُونَ وَالْيَهَا وَيَحْيَىٰ وَزِيرَهَا

اینک برای استحضار از حالات و درحیات یحیی بهتر آنستکه بآراء و افکار وی مراجعه نمائیم تا کاملاً از خصلت و سبوت او مستحضر شویم گویند از یحیی پرسیدند کمترین چیزها کدام است گفت: قناعت شخص باهمت بزندگانی پست. دوست بر زحمت کم فایده. و سکونت خاطر در موقع مدح. موقع دیگر ویرا از معنی کرم وجود پرسیدند فرمود: کرم پادشاهی است که در سلک رعایا زیست کند و بخشش در حال توانائی جود واقعی است.

نیز یحیی میگوید: بهترین چیزها برای فرما رواین اصابت در سیاست است و این مطلب جز در تحت اطاعت اوامر الهی انجام نمییابد که بیستی با خلق از دو راه وارد شد و با آنست معامله نمود اول راه رأفت و رحمت و بخشش و مهربانی دوم طریق خشونت و سختی و دوری و امساک: در محل دیگر گفته است مواعید دام بزرگان است که آزادگان را بدان صید مینماید

گویند وقتی فضل بن یحیی در خراسان حکومت داشت رئیس قسمت اطلاعات نامه بهرون نگاشته از اوضاع زندگانی فضل شکایت نمود که از امور فرما روایی غافل و دائماً بعیش و عشرت اشتغال دارد هرون نامه را ملاحظه نموده نزد یحیی انداخت و فرمود: پدر جان مراسله را مطالعه کن و پسر را از تعقیب عیش و نوش باز دار. یحیی نامه را خوانده و فوراً با قلم رشید در پشت نامه چنین نگاشت: حفظك الله يابني وامتع بك قد انتهى الى امير المؤمنين ما انت عليه من التشاغل بالعييد و مداومة اللذات من النظر في امور الرعيه ما انكره فعاود ماهوازين منك والسلام

و در پایان نامه اشعار ذیل را انشاء نمود

وَاصْبِرْ عَلَيَّ فَقَدْ لَقَاءَ الْحَبِيبِ	اِنصَبْ نَهَارًا فِي طُلُوبِ الْعُلَى
وَ غَابَ فِيهِ عَنْكَ وَجْهُ الرَّقِيبِ	حَتَّىٰ اِذَا اللَّيْلُ بَدَىٰ مُقْبِلًا
فَاِنَّمَا اللَّيْلُ نَهَارًا اَلرَّيْبِ	فَبَا دِرَ اللَّيْلِ بِمَا تَشْتَهِي
يَسْتَقْبِلُ اللَّيْلَ بِأَمْرِ عَجِيبِ	كَمْ مِنْ فِتْنَى تَحْسَبُهُ نَاسِكًا

أَلْقَى عَلَيْهِ اللَّيْلُ اسْتَارَهُ قَبَاتٌ فِي لَهْوٍ وَعَيْشٍ خَصِيْبٌ
وَلَذَّةُ الْإِحْقَاقِ مَكْشُوفَةٌ يَسْعَى بِهَا كُلُّ عَدُوٍّ مُرِيْبٌ

مامون در باره یحیی و پسرانش گفته است: این پدر و پسران در عصر خویش در شجاعت و کفایت و سخاوت بی نظیر بوده اند:

یحیی بن خالد مرتباً ماهی هزار درهم برای سفیان ثوری که از زهداد زمان خود بوده ایفاد میداشت گویند سفیان موقع سجود چنین میگفت: بار الهایحیی امور دنیوی مرا مرتب نمود تو آخرت و پرا مرتب کن اشعار بسیاری در مناقب یحیی گفته اند که شرح آن مناسب مقام نیست و فقط بذکر این دو بیت راجع بکرم یحیی اکتفا مینمائیم که دارای پاره محسنات ادبی است

لَا تَرَانِي مُصَافِحًا كَفَّ يَحْيَى أَنَّنِي إِنْ فَعَلْتُ ضَمِيمَتٌ مَالِي
لَوْ يَمَسُّ الْبَخِيلُ رَاحَةَ يَحْيَى لَسَعَتْ نَفْسُهُ بِبَدَلِ النَّوَالِ

باری (۱) پس از بدبختی و پریشانی امور برامکه (شرح آن ذکر خواهد شد) یحیی با رشید در رقه محبوس ماند تا آنکه در سنه ۱۹۰ بسن ۷۴ یا ۷۰ سالگی غفلة وفات نمود و در همان نواحی مدفون شد در لباس وی مکتوبی بخط خودش یافتند که این عبارت را نوشته بود: مدعی قبل از رفت و مدعی علیه نیز خواهد آمد قاضی و حاکم عادل و داد خواهی است که ستم نخواهد کرد و به پینه محتاج نیست: همینکه این مکتوب را بنزد هارون بردند تمام آن روز را گریبان بود و تا مدتی آثار حزن و اندوه بر چهره وی آشکار میبود جهشیادی مینویسد هارون از کرده خود در باره برامکه پشیمان گردید

زمخشری در کتاب ربیع الابرار نقل نموده که در زیر رختخواب یحیی ابن خالد مکتوبی یافته شد که بر وی نوشته بود

وَ حَقُّ اللَّهِ إِنْ الظُّلْمَ لَوْمٌ وَإِنَّ الظُّلْمَ مَرَّتُهُ وَ نَحِيمٌ
إِلَى دِيَانِ يَوْمِ الدِّينِ نَمُضِي وَ عِنْدَ اللَّهِ تَجْتَمِعُ النُّحُومُ